

قدرت جنگهای اقتصادی!



رشاد - مصطفی سلطانی

اول نوروز ۱۳۹۷

مهاتماگاندی : جنگ اقتصادی شکنجه‌ای طولانی است و، لطماتش از آنچه در ادبیات جنگی بیان شده است، کمتر دلهره آور نیست .

تیئوری پول علیه بشریت : تراژیدی جنگ های اقتصادی خالق نابرابریهای اجتماعی بوده و، از کانال قدرت و سلطه میگذرد . بدهکاری کشورهای آفریقائی و آسیائی به " صندوق بین المللی پول" در سطحی بوده که نمی توانند به شروط وابسته به روند وام جواب منفی بدهند . استفاده از ابزار صندوق بین المللی پول ، که وام ها را ترتیب میدهد برای انقیاد و به زنجیر کشیدن کشورها بوده و، در تاریخ خانه‌های توطئه، طرح ریزی شده‌اند . این صندوق با " امار" های تزویری بسان سلاحی مرگبار استفاده کرده و ، برنامه‌هایش شکلی از شکنجه را منعکس نموده، که شهروندان کشورهایی که در شرایط بحرانی قرار دارند ، ناچار نموده که در برابر صندوق تسلیم و بزانو درآیند . در مورد کشورهای نفت خیز ترینیداد و توباگو در جزایر کارائیب امارهای ساختگی را پخش کردند

که ناچار شدند از صندوق بین المللی پول قرض بگیرند. برای اشغال کشوری بر خلاف خواست و آرزوی شهروندانش مسیری صلح جویانه ممکن نیست و، برای قاپیدن پیش شرط های یک زندگی شرافتمندانه از ساکنین کشوری نیز کانالی مسالمت آمیز وجود ندارد. بازار آزاد، با سیاست های اقتصادی خطرناک روبرو است. اقتصاد دانان مکتب شیکاگو که مارکسیزم را دشمن واقعی خود محسوب نمی کنند و، از جمله: میلتون فریدمن، فوکویاما، دیویسون بودهو و دکتر ایون کامرون اقتصاد جهانی را بنفع سرمایه داری سمت و سو داده و جنگجویان ایدئولوژیک رادر دانشگاه ها برای فتح بلندی های سلطه ای اقتصادی پرورش میدهند. سازمان ملل متحد، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در موضع گیری به جنایات جنگ جهانی دوم ایجاد شدند. سرمایه داری جهانخوار و رادیکال و دمکراسی آبی نه تنها با همدیگر بلکه با پیشرفت و مدرنیته و اصلاحات در ارتباطی تنگاتنگ هستند. اتحادیه اروپا و خصوصاً کشورهای پیشرفته، خط مشی بخشی از دنیا را تعیین می کنند.

نبرد برای سلطه بر دنیا: حملات نیروهای تندرو داعش، القاعده، بوک الحرام و الشباب، گردبادها، طوفان ها، سیل هاو سونامیها شوکها و بحران های دوران سرمایه داری هستند. تلاش شرکت های چندملیتی و کارتل ها و لیبرالیزم جدید، دارائی های مشترک را مانند ارگان های امداد رسانی، تامین اجتماعی، مدارس، بیمارستان ها، مدارس، وسایل ارتباط جمعی، پارک های ملی، ارگان پست را بعنوان میدان یکه تازی و فتح سرزمین هامی انگارند. شرکت های چند ملیتی و کارتل های بزرگ اقتصادی از تولید و فروش اسلحه ها، هواپیماهای جنگنده و کشتهای جنگی منفعت برده واز بازسازی پلها، بیمارستان ها، جاده ها، منابع آب آشامیدنی و مدارس در شهرهای ویران و همزمان تداوی شهروندانی که با این سلاح های مخرب زخمی شدهو آسیب دیده اند نیز سود کلانی می برند. خزانهداری آمریکا، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، ارگان ها و تشکل های ارتجاعی در بسیاری از کشورها که بحران ها را فرصت هائی سودآور تلقی میکنند در حال انحطاط و زوال بوده و توانائی و قدرت تحمیل سابق را در مقاطعی از دست داده اند.

کودتاهای نقشه مند و طراحی شده وکشتار مردم بیدفاع وروشنفکران سیاسی که اسلحه ای ندارند، تنها بخاطر پندار ها و باورهایشان بودهو این کشتار ها، دقیقاً جنگ علیه تروریسم نیست، بلکه جنگ علیه موانع سر راه " نظم نوین " جهانی است. شکنجه ها، کودتاها، شوک های اقتصادی، کشتار وجنگها در عراق، افغانستان و سومالی ابزار های سیستم سرمایه داری بوده و زندان امریکا در گوانتانامو (کوبا) و ابوغریب در نزدیک بغداد ریشه ای در اهداف اقتصادی داشته و شوک و ارعاب ایجاد میکنند. سرمایه داری بنیاد گرا برای

پیشروی، همواره نیازمند فجایع اجتماعی بوده است. مابین شکنجه‌ها که ابزاری در خدمت خشن‌ترین شکل اجبار است و، صدها هزار دگر اندیش که مجازات میشوند با شوک‌های اقتصادی که باعث فقر میلیون‌ها انسان میگردد، رابطه‌ای بلا واسطه و مستقیم وجود دارد. در سال ۱۳۳۲ (۱۹۵۳ میلادی) اولین کودتای آمریکا بسرنگونی دکتر مصدق انجامید. سیستم‌های سرمایه‌داری غرب و اروپا در راستای مخالفت با عدالت اجتماعی میلیون‌ها نفر را با اتهام کمونیست بودن در زندان‌های امریکای لاتین، آسیا و افریقا ترور، اعدام و یا به رفتارهای روان‌پریشی، عصبی، جنون‌آمیز و روان‌گسیختگی * مبتلا نموده‌اند.

شیلی :

مواضع نازی‌ها، خمرهای سرخ و سیستم دیکتاتوری شیلی نقاط مشترک فراوان داشته و برای نابودی دگر اندیشان و استقرار حکومت‌های توتالیتز همسوئی کامل دارند.

تیئوری و استدلال نازیست‌ها این بود که با کشتار اعضای "بیمار" جامعه، جسم ملت را شفا می‌بخشند. مواضع خمرهای سرخ کامبوج برای توجیه قساوت و کشتار هایشان که در پوششی دیگر و بوسیله‌ی رهبرشان جناب پولپوت چنین بیان گردید: پولپوت گفت: عضو عفونی بدن را حتما باید قطع نمود. ژنرال پینوشه نیز چنین استدلالی داشت که دکتر سالوادور آلنده و کابینه‌اش را "عفونتی" خواند که کشور شیلی را ویران میکرد. و در این راستا با شیوه‌ای جنون‌آمیز، پیروان اهداف سیکولارو چپ را با کمک جاروئی آهنین نابود و پاکسازی کرد. سالوادور آلنده پزشک بود و باور داشت که تغییرات سوسیالیستی در شیلی باید از طریق صندوق‌های رای محقق شود. دولت‌ش اتحاد مردمی بود و مبارزه‌ی مسلحانه را نفی کرد. سرانجام سازمان سیاه و کیسنجر و شرکت بین‌المللی تلفن و تلگراف (ای تی تی) حکومت آلنده را تهدید و زمینه‌های سقوطش را با کارگردانی پینوشه مهیا ساختند. پینوشه در روزهای نخست صرفاً پاکسازی و برقراری نظم و سپس خروج از قدرت برایش تعیین شده بود. اما گفت: (ما جارو برقی نیستیم که مارکسیزم را جارو کنیم، بعد هم قدرت را به سیاستمدارها تحویل دهیم!) پینوشه سوار بر تانک شده و وارد کاخ ریاست جمهوری گردید. دکتر آلنده در حالی که کاسه‌ی سرش متلاشی گردیده بود، هنوز مشخص نیست آیا بوسیله‌ی سربازان کشته شده و یا اینکه آلنده با شلیک به مغز خویش سال ۱۹۷۳ خودکشی کرده است. خواننده‌ی انقلابی شیلی "ویکتور خارا" که سنگری را با گیتار بر علیه استبداد جهانی رهبری میکرد و مبشر فرهنگ سیکولار بود باسارت ارتش در آمد. و در استادیوم شیلی، ابتدا دست‌هایش را قطع کردند و سپس با ۴۴ گلوله او را کشتند. آخرین ترانه او "استادیوم شیلی" نام دارد، که در اردوگاه مرگ آنرا سرود و ترانه‌اش هرگز با صدای او شنیده نشد اما شعرش به بیرون راه یافت. حتی کودتا چپان در

امریکای لاتین از فرمان هیتلر که سال ۱۹۴۱ بنام عملیات " شب و مه " صادر گردید الگوبرداری و اقتباس مستقیم کردند . در این فرمان مخالفین را در کشورهای اشغال شده که نازی ها تسلط داشتند به آلمان برگردانده و در شب و مه نابود و محو میگردیدند . و یهودی های فراری را بصورت زائده ها و عناصر نامطلوب در پیکر جامعه ارزیابی میکردند . همین روش بنام عملیات کندور* بین کودتا چیان در آمریکای لاتین اجرا گشته و مخالفین و پیروان نیروهای چپ و سیکولار را که فرار کرده و در کشور دیگری مخفی شده بودند، اسیر و مبادله میکردند و نابود می گردیدند .

چین :

مانو معتقد بود که قدرت سیاسی از لوله ی تفنگ بیرون میآید !

مائوتسه تونگ مخالفانش را در پروسه ی " انقلاب فرهنگی " که با دکتورینش همخوانی نداشتند نابود کرد. تینگ شیائو پینگ در میدان صلح آسمانی پکن جنبش عظیم دانشجویی را " تفاله های اجتماع" نامیدو، آنها را سرکوب و بین دو تا هفت هزار انسان را کشتند . تینگ شیائو پینگ از جنبش همبستگی لهستان واهمه ی فراوان داشت و می ترسید که کارگران چین ، حزب کمونیست چین را شکست داده و خود ابتکار عمل را بدست آورند . چندین واحد از پلیس مسلح مردمی بدستور رهبری چین برای آموزش های ضد شورش به لهستان اعزام گردیدند تا شیوه های مبارزه که در زمان حکومت نظامی لهستان بر ضد جنبش همبستگی بکار گرفته شده بود آموختند . تینگ شیائو پینگ بعداز سرکوب خونین منتقدان گفت : سرکوب برای حمایت از سرمایه داری بوده است . جنبش بمدت تقریبا دو ماه میدان صلح آسمانی را اشغال نموده بود و گزینس حزب کمونیست چین سرکوب ده هزار تظاهر کننده بود. شوک ناشی از قتل عام سال ۱۹۸۹ در میدان صلح آسمانی ، میدان تاخت و تاز بازار آزاد را مهیا کرد و ،شوک ناشی از قتل عام میدان تیان آنمن" صلح آسمانی " دست حزب کمونیست را برای سیستم بازار آزاد و دیکتاتوری عریان باز گذاشت .

روسیه :

سال ۱۹۸۹ دیوار برلین فرو ریخت وبعنوان سقوط کمونیزم پژواک جهانی یافت . فوکویاما در سال ۱۹۸۹ گفت : با واژگونی کمونیزم ، مکتب قدرتمند دیگری وجود ندارد که قادر باشد با سرمایه داری مخالفت کند . نیروهای چپ در مسیر گذار همیشه بیراهه میروند . شوروی در پروسه ی تجزیه ی ایالت هایش قرار گرفت . میخائیل گورباچوف مبتکر دوران گذار اصلاحات ،نوآوری و ریفورم جدی در سیستم پوسیده حزب کمونیست شوروی بود و باعث تغییرات و تحولات ساختاری و زیربنائی ، که جامعه ی روسیه به ان

نیاز داشت گردید. اگرچه یلتسین در ماسمیدیای جهان و خصوصاً غرب خود را بعنوان آلترناتیو گورباچوف مطرح نمود اما، پایگاه اجتماعی و تیئوریک و کاراکتر سیاسی گورباچوف را اساساً نداشت. در بحران اجتماعی و شکست سوسیالیزم نوع روسی، یلتسین بقدرت رسید. یلتسین بدام الکل افتاده بود و ارزیابی‌ها و مواضعش جوابگوی بحران روسیه نبود. و به طیف نخبگان در حکومت و اولیگارشی روسیه (حکومت گروهی اندک) تعلق فراوان داشت. علیرغم رشوه‌گیری و فساد و کشتن تظاهر کنندگان هوادار دمکراسی از پیگرد کیفی مصون ماند و از امکانات رفاهی و فروش گاز و نفت خام برخوردار بود. پوتین را بعنوان جانشین معرفی کرد. استفاه از اقتصاد دولتی در حکومت‌های باصطلاح کمونیستی شوروی و اروپای شرقی اسفبار بود. صندوق بین‌المللی پول در بازسازی اقتصاد روسیه، نقش حیاتی داشت و ولادیمیر پوتین کماکان قدرت را در دست دارد.

آفریقای جنوبی :

میهن آفریقای سیاه، مناطق مخصوص سیاه‌پوستان بود که از مناطق سفیدپوستان جدا گردیده بود. سیستم آپارتاید این مناطق را در نامیبیا و آفریقای جنوبی بعنوان بخشی از سیاست نژادپرستانه‌ی آپارتاید ایجاد کرده بود. در این اواخر آپارتاید در آفریقای جنوبی بصورت ابزار قدرتمندی کارائی کافی نداشت. گذار تفویض قدرت به کنگره‌ی ملی آفریقا با آزادی جناب نیلسون ماندیلا شروع گردید. حکومت آپارتاید در مذاکرات با کنگره‌ی ملی آفریقا، کماکان پیروز بود و در عمل کلید دولت رابه آنها واگذار کرده اما، همه‌ی پست‌های کلیدی را خود در اختیار داشتند. برای کنگره‌ی ملی آفریقا گذاری مشقت‌بار بود. در مذاکرات اقتصادی، بین کنگره‌ی ملی آفریقا برهبری سیریل رامافوسا و دوکلارک رهبر و رئیس‌جمهور، اکثراً سفیدها پیروز بودند. در سال ۲۰۰۶ زاغه‌نشین‌های آفریقای جنوبی از کنگره‌ی ملی آفریقا دوری جسته و علیه وعده‌های منشور آزادی اعتراض نمودند. سفیدها در مذاکرات با بهره‌گیری از شگردهای سیاسی و اقتصادی، سناتوس و قدرت خویش را مجدداً حفظ نموده و کماکان در عرصه‌های بانکی، تجارت، مالکیت خصوصی، بانک‌ها و سیاست خارجی قدرت را در دست داشتند. و همیشه کنگره ملی آفریقا را ناچار به دادن امتیازهای بزرگ اقتصادی و سیاسی میکردند. کنگره ملی آفریقا در سنگر دیالوگ و مذاکرات و بدست گرفتن هژمونی و قدرت سیاسی موفق نبودند. اگرچه کنگره‌ی ملی آفریقا پیروز شده بود، اما در شبکه‌ای از تارهای عنکبوت و مقررات و قوانین گوناگون در بند و اسارت بود. زمانیکه دولت سیاهان بقدرت رسید شبکه‌ی تارها تنگ‌تر شد و دولتشان متوجه گردید که از نقطه نظر قدرت، شدیداً در محاصره و تنگنا

قرار دارد . سیاهان دولت را فتح کرده و افریقای جنوبی بظاهر آزاد گشته بود و اما کماکان اسیر بوده و قدرت در دست سفیدها بود .

عراق :

در عراق همه‌ی شرکتهای آمریکائی که برای بازسازی حضور یافته‌اند خود اعضای یک باند گسترده بوده و پدیده‌ی جنگ برایشان بازار ایجاد کرده است . پیمانکاران و شرکت های خارجی دفاتر خویش را در منطقه‌ی سبز بغداد و کویت و عمان باز کردند . پیمان ها را به شرکتهای کویتی و سپس به شرکتهای عربستان تحویل دادند . امنیت این شرکتهای را نیروی نظامی بنام بلاک واتر* تامین میکند . منطقه‌ی سبز در بغداد مانند یک کشتی تفریحی در دریای خشونت لنگر انداخته است . سایر مناطق بغداد را مناطق تشنج افرین و سرخ و ناامن می نامند .

تجارت اسلحه و تامین سربازان مزدور از طریق شرکت های خصوصی امریکائی تامین میشود . شرکت "بلاک واتر" سال ۱۹۹۶ تاسیس و بیست هزار مزدور ، پایگاه نظامی ، لشکر هوائی متشکل از ۲۶ سکوی مختلف که تانک های توپدار ، هواپیمای بوئینگ ۷۶۷ و یک نوع کشتی هوائی بنام زی پلین در اختیار دارد . هشتاد گروه سگ تربیت شده ، تیراندازان ماهر و دارای تفکرات نژاد پرستانه می باشد . بلاک واتر و حزب الله ، سپاه مهدی ، حشد شعبی ، در غیاب دولت که حکومت های ضعیفی هستند عمل کرده و فعال بوده و ، این نیروها ، بازار کار برای خودشان ایجاد می کنند . رشوه دهی و رشوه گیری شرکتهای به دولت های ضعیف و بی ثبات و توتالیتر ، پروسه‌ای عیان و آشکار دارد . همه‌ی این بحران آفرینی ها و جنگ افروزی ها برای فروش تسلیحات نظامی و گارانتی ماشین جنگی ابرقدرت هاست . در جنگهای خلیج فارس ، یوگوسلاوی ، سوریه، عراق، افغانستان و یمن صنایع نظامی امریکا و روسیه و اسرائیل، هند، ، چین، المان ، فرانسه و انگلستان و کشورهای وابسته‌شان ،میلیارها دلار نفع بردند .

اسرائیل:

صنعت جاسوسی در اسرائیل به اوج خویش رسیده و یکی از مهمترین منابع اقتصادی این کشور است . پناهجویانی راز کشور روسیه پذیرفت که صهیونیست نبودند بلکه از وضع اقتصادی نا امید و مایوس بوده و اذیت و آزار دینی فراوانی تحمل کرده بودند و زندگی را در اسرائیل ترجیح دادند . اقتصاد اسرائیل بدون حضور دوازده هزار کارگر فلسطینی از

نواحی غزه و کرانه‌ی باختری که هر روزه برای کار به اسرائیل می‌رفتند، فلج و در حال شکست بود. از لحاظ اقتصادی هم فلسطین و هم اسرائیل به‌مدیگر متکی بودند. موج مهاجرت یهودی‌های شوروی به اسرائیل اتکای این کشور را به کارگران فلسطینی بطور سرسام‌آوری کاهش داد و پائین آورد. موج پناهندگی از شوروی و اسکان آنها فرصتی فراهم نمود که اسرائیل مناطق بیشتری را اشغالی نماید. دولت اسرائیل سیاست " بستن دروازه‌ها " را اتخاذ و مانع از رفتن فلسطینی‌ها به محیط کار و فروش اجناس شان در اسرائیل گشت و، بیشترین خسارت را به اقتصاد فلسطین وارد ساخت. به بهانه‌ی فریبنده تروریزم کارگران فلسطینی اجازه کار در اسرائیل را نداشته و تجار خرده‌پا، کالاهایشان بفروش نمی‌رفت و کشاورزان فلسطینی به مزار عشان دسترسی نداشته و، اشغال و شهرک‌سازی، زمین‌زراعتی فلسطینی‌ها را بلعید. دیوار بتونی طویل و عریض برای امنیت ساکنین اسرائیل و مناطق اشغالی بنا گردید. فلسطینی‌ها آنرا دیوار آپارتاید می‌نامند. این دیوار سی در صد آب مناطق فلسطینی را گرفته و آب آشامیدنی شهرک‌های یهودی نشین را تامین می‌نماید. بین نوار غزه و کرانه‌غربی پست‌های نظامی و کنترل شدید بر قرار و مانع پیوند دوبرخش فلسطین گشتند. شهرک آریل را برای اسکان یهودی‌های شوروی بشیوه‌ای مدرن ساختند. در خیابان‌ها و مغازه‌ها تابلوهای به زبان‌های روسی و عبری نصب گردیده‌اند. شهرک آریل با جمعیت یهودی روسیه، دانشمندانی را پرورده کرده که نقش برجسته‌ای در رونق اقتصاد اسرائیل داشته‌است. شصت در صد صادرات اسرائیل را اقتصاد فناوری تشکیل داده و چهارمین فروشنده بزرگ اسلحه در جهان است. جنگ با مردم فلسطین و حماس، اقتصاد داغان اسرائیل را رونق و بهبود بخشید. دوربین‌های جاسوسی در مراقبت از فرودگاه‌ها و دیوارهای بتونی از جمله بین هند و کشمیر، عربستان و عراق، افغانستان و پاکستان، مکزیک و آمریکا، لبنان و اسرائیل و در سکوه‌های نفت و گاز، منابع آب بکار گرفته شده و همزمان صدورشناسنامه و پاسپورت‌های الکترونیکی بدعتی در صنعت کنترل بوجود آورده‌است. و در سرزمین فلسطین بوسیله‌ی دیوارهای بتونی شبکه‌ای از " زندان‌های بی‌سقف " برای میلیون‌ها شهروند ایجاد گردیده‌است. گروه گولان در اسرائیل ۳۵۰۰ کارمند دارد که ماشین‌های اشعه‌ی ایکس، فلز یاب‌ها و اسلحه تولید کرده و همزمان مسئول پرورش کارمندان آمریکا در مرز مکزیک شده‌است.

لبنان :

با حمله اسرائیل در سال ۲۰۰۶ به لبنان، مدارس، بیمارستان‌ها، جاده‌ها، پل‌ها، شبکه‌ی برق و فرودگاه‌ها ساختارهای زیربنائی لطمه‌ی فراوان دیدند. مردمان تهیدست و فقیر به

دولت بی اعتماد بوده و برای بازسازی کشور دوماه در مرکز بیروت در خیمه‌ها مبارزه کردند و قرض‌های کشورهای ثروتمند را با اکراه پذیرفتند. در این مبارزات ایران و سوریه و حزب الله تأثیری نداشتند و فقط نابرابری‌های اقتصادی تعیین‌کننده بود. حزب الله لبنان، با ارائه خدمات رفاهی، درمانی، بازسازی خانه‌ها، جمع‌آوری اشغال‌مساکن شیعیان محبوبیتی بدست آورد. منهای پول‌های ایران، کمک‌های حزب الله از کانال ارگان‌های مردم‌نهاد (ان، جی، او) و دولت نمی‌گذشت. بعنوان یک تشکیلات بومی و محلی از مدیران خارجی و وارداتی، امنیتی و خصوصی و مترجمان بیشمار استفاده نکرد و نیرویش را از مردم ساده و افراد مورد اعتماد در محلات تامین میکرد و با این نیرو در بازسازی شرکت نمود و پایگاه اجتماعی کسب نمود.

تایلند و سریلانکا :

در کشور تایلندبر خلاف کشور سری لانکا بعد از سونامی ۲۰۰۴ میلادی توده‌های مردم در زمینه‌ی بازسازی روستا هایشان از طریق نهاد های دولتی به دولت اعتماد نداشته و خودشان اقدام نموده و بازسازی را با موفقیت انجام دادند. بعد از سونامی ۲۰۰۴ در سریلانکا بازار آزاد و خصوصی سازی در طرحی بنام " بازیابی سریلانکا " از طرف بانک جهانی قبول شد. رئیس جمهور سریلانکا وقیحانه گفت : سونامی نوعی فرشته ی آسمانی بود که بازار آزاد را بارمغان آورد. ساکنین بومی سریلانکادر کنار دریا که به کشاورزی و ماهیگیری و سبزی کاری مشغول بودند، از بنادر بیرون ریخته و زمین هایشان مصادره و در اختیار شرکت های چند ملیتی گذاشته و آنها با ساختن هتل های مدرن و بین المللی و تفریح گاه ها و میدان های گولف زمین روستائیان را تسخیر و شهروندان سری لانکا را آواره نموده و فقر و تنگدستی را بر آنها تحمیل نمودند. و مانع ایجاد دوباره ی دهکده‌های کنار آب دریا شدند. سونامی فرصتی به دولت سریلانکا داد، که پایگاه‌های جنبش ببرهای تامیل را، که معتقد به دکترین مائوتسه‌تونگ بودند، در جنگل ها قدم بقدم و آهسته و پیوسته تسخیر کند و مناطق زیر نفوذ آنها را با کشتار وسیع پارتیزان های تامیل، برای گردشگران طبیعت دوست و فیل سوارتضمین و گارانتی کند. ببرهای تامیل خالق کمر بندهای انتحاری در مبارزات هستند. درحالیکه گروه گروه از پژوهشگران و دانشجویان به روستا های تایلند رفته تا در باره ی " خردمندی مردم بومی " تحقیق کنند که چگونه روستاهای خویش را فوری بازسازی کردند. در سونامی نیوئورلند آمریکا و جزایر کارئیب بازسازیهای کذائی انجام گرفت و تنها میدان برای شرکتهای چند ملیتی باز شد که سودهای کلانی را بچاپند. در کشورهای گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه، پاناما و هائیتی طوفان خرابیهای وحشتناکی ببار آورد که مجبور شدند شرکت

های دولتی را به کشورهای خارجی بفروشد. شرکتی در آمریکا تاسیسات برق، نفت، مخابرات و انرژی و چهار فرودگاه هندوراس را خرید. کشور مالدیو در جنوب هند مجموعه‌ای از دویست جزیره مسکونی است، که مردم بومی ماهیگیران تیه‌دستی هستند و اکنون به یک جمهوری توریستی مبدل شده و این جزایر توسط بانک جهانی و کارتل‌ها فتح شده‌است.

رنسانی جهانی در مواضع توده‌های مردم :

در راستای سودآوری بیشتر، نظم نوین جهانی مطرح است. اکنون در امریکای لاتین قدرت در سراسر جامعه و بین مردم از کانال‌های تعاونی‌های محله و شوراهای منتخب می‌گذرد. دانشجویان را بمدارس نظامی آمریکا نمی‌فرستند، در کلمبیا قرار دادهای اسارت بار فرودگاه‌ها برای آمریکا تمدید نگردیده‌است. جنبش مردم بی‌زمین در برزیل با ایجاد تعاونی‌ها نوید بخش است، در ونزوئلا کارهای زیربنایی مثلاً نگهداری بزرگ راه‌ها و درمانگاه‌ها به شوراها سپرده شده‌است. در کوبا هزاران دانشجو در علم پزشکی تخصص گرفته و بطور مجانی در امریکای لاتین خدمت می‌کنند. ارزش کالا و خدمات را خود تعیین مینمایند. برزیل، نیکاراگوئه، آرژانتین، ونزوئلا پاراگوئه از صندوق بین‌المللی پول فاصله‌ی جدی و کنار کشیده‌اند. مخالفت با لیبرالیزم نو و کارتل‌ها به سطحی مطلوب در امریکای لاتین رسیده‌است. تظاهرات در استرالیا، آمریکا، یونان، اسپانیا، ایتالیا، فرانسه، روسیه و ایران نشانی از جنبش‌های نسبتاً رادیکال تهیدستان و محرومان و قشر تحصیل‌کرده‌ی جوامع است. اقتصاد دولتی با تجربه‌های یاس‌آور و شکست‌خورده و سرمایه‌داری با خصوصی‌سازی و بازار آزاد اساساً افق روشنی نداشته و بعید نیست سیستمی نوین در جهان ظهور کند که گذار مشقت‌بار، به دمکراسی را نوید میدهد.

پایان

منابع مهم برای کسب اطلاعات بیشتر :

1- The shock doctrine , the rise of disaster capitalism 2007

by: Naomi Klein .

2- The end of history and the last man, by: fukoyama

3- Thabo Mbeki , and the battle for the soul of the ANC

By : gomed
L.Paul Bremer

4- My year in Iraq, by :

* ANC = (African ,National ,Congress)

* I T T = (Inter national , Telephone and Telegraph.)

* Schizofreny , Hysteric , Operation Condor , Oligarchy, NGO, Victor Jara, Deng Xiaoping ,

معانی اصطلاحات و کلمات انگلیسی چنین است :

{ شیزوفرنی، هیستریک، عملیات کندور، اولیگارشی، (ان-جی-او) ویکتور خارا،
دینگ شیائوپینگ }

۱- شرق شناسی نویسنده دکتر ادوارد سعید ترجمه عبدالرحیم گواهی

۲- میراث خواران اتحاد شوروی، یلتسین و پوتین . نویسنده بوریس کاگار لیتسکی،
انتشارات آمه ۱۳۸۸

۳- نقش روشنفکر، نویسنده دکتر ادوارد سعید، ترجمه دکتر حمید عضدانلو